

## بی معطلی کرزی را با ختم زمامداری ننگینش باید محاکمه کرد قانون ، حاکمیت ، عدالت و مسوولیت در اداره (کرزی)

( عملکرد حاکمیت کرزی در آینه ی ارقام و حقایق ) بخش اول (استاد صباح )

بی عدالتی، بی قانونی، بی نظمی ، زورخواهی تنظیمی ، جنگ، کشتار، ویرانی، نا امنی، آوارگی، فقر، مرض، فساد اداری، بنیادگرای افراطی، تبعیضات قومی و مذهبی و زبانی ، مواد مخدر ، زورگویی ، جنگ سالاری ، بی کفایتی ، مصلحت گرایی ، تاراجهای کلان پولی ، چنگل بخشی قدرت و اداره دولتی ، محروم نگهداشتن ملیتهای مختلف، چپاول و غصب املاک دولتی و شخصی ، تشنج ، (وزورگویی، قانون شکنی و ماشه کشی درخیمه لویه جرگه پس از تشنج در انتخابات ) و دهها مشکل دیگر، سالهاست که دامن جامعه را فراگرفته و زندگی آرام و خوش را از مردم کشور سلب نموده و همه نتیجه حاکمیت ننگین کرزی است.



نقض حقوق بشر طی سالیان دراز در کشور رواج داشته و این پروسه یلید در حاکمیت امین ادامه پیدا نموده و در شاخ جنگی تنظیم هاسیر سعودی به خود گرفت ، با موجودیت اردوی شوروی سابق و پس از آن در دوران نبردهای جنگ سالاران ، امارت طالبان و در سالهای اخیر با هجوم نظامیان خارجی تداوم یافت . اما نقض حقوق بشر در شرایط فعلی و در مقطعی که کشورهای مدعی برقراری امنیت و تثبیت کننده نظام دموکراسی ، وارد کشور شده و در این سرزمین نیرو مستقر کرده اند ، موضوعی است که بیش از همه مورد توجه و تأمل مردم و محافل حقوق بشری است . در حاکمیت کرزی شور بختانه نه تنها نقض حقوق بشر بلکه پدیده های منفی و ویران کننده دیگری سر بر افراشت و تار بودی جامعه را به نابودی میکشاند . بلی! نبود حاکمیت قانون، حکومت ناتوان، افزایش تلفات غیر نظامیان و دست داشتن شماری از مقامات حکومت با فساد، خشونت در برابر زنان، بی تفاوتی نهادهای عدلی و قضایی و شکنجه زندانیان، از عواملی است که وضعیت حقوق بشر را در کشور به شدت نگران کننده ساخته است .  
درینجا بسته و گریخته مروری داریم درین موارد .

برادران تفنگدار، بی برادرم کردند

اسیر فاجعه های مکررم کردند

دست و پاييم را ببستند و آنگاه  
 براي سنگ زدن کيوترم کردند  
 چهارسوی جهان رابه من بستند  
 بعد چون شکوفه پرپر م کردند  
 مزدورانه تسليم گرگ هادادند  
 به چوروچپاول برهنه ترم کردند  
 باتيرو تبر زخم زدند و خندیدند  
 خون آلوده تر همه پيکرم کردند.



اعتماد مردم بزرگترین سرمایه و ماندگارترین تحفه ی است که نصیب وطنپرستان ملی و سیاستمداران مردمی میگردد و این سرمایه بی بدیل به تدریج در گذر زمان و به سختی و با تلاش صادقانه به دست می آید.

روزها و ماهها و سالها می گذرد تا اعتماد مردم نسبت به یک شخصیت وطنخواه و میهن دوست انباشته می شود و هنر یک زمامدار این است که در مسیر فعالیتها با اصل قراردادان صداقت و تلاش مردم مدارانه از اعتمادی که به تدریج به دست می آورد به خوبی حراست و حفاظت کنند و برای توسعه و گسترش آن بکوشند.

خدمت مردم پسندانه و حس میهن دوستانه همراه با عملکرد صادقانه، می تواند آثار خوب و مثبتی بر حاصل کار داشته باشد و دستیابی یک شخصیت ملی را به اهدافش تسهیل کرده و تسریع ببخشد.

تطابق نداشتن عملکردها و شعارها نه تنها موجب گسترش اعتماد عمومی نمی شود بلکه می تواند آثار منفی آن روزبه روز لطمات جبران ناپذیری را وارد سازد. لذا یکی از بزرگترین وظایف دولتمردان و وطنپرست ، پاسداری از اعتماد عمومی به روشهای مختلف است تا این سرمایه ی اجتماعی دستخوش آسیب و نابودی نشود.

افغانستان کشوری که در آن پشتون- تاجیک- هزاره- ازبک- ترکمن- قزلباش- جوگی- طاهری- گوارباتی- شادی باز- براهوایی- گوجر- تیرابی- تایمنی- عرب- شیخمحمدی- مونجانی- موری- مغول- سیگ- زوری- قرغیز- یهودی- شیغنانی- اشکاشمی- جت- قپچاق- سنگلیچی- قارلیق- تیموری- پیکراغ- میش مست- روشانی- فارسی- فیروز کوهی- پارچی- قزاق- واخی- غوربت- جمشیدی- ایماق- وانگ و الا- ملیکی- نورستانی- ارموری- بلوچ- جلالی- تاتار- کوتانا- هندو، زنده گی باهمی و همیاری و همکاری ملی داشتند و طی این چند سال نسبت خیاانتها و روزگزارنیها تا حدودی این همبستگی و وطنی و ملی خدشه دار گردیده آینده امیدواریم باکاري و وطنخواهانه زمامداران این همیاری ملی روندی اصلي اش را ببینیم.

متأسفانه سالهای سال است که نسبت کرسی خواهی و قدرت طلبی، دزدی و چپاولگری ، حزب و تنظیم بازی، دروغ و ریاکاری ، فریب و نیرنگ، بیگانه طلبی و اجنبی پرستی ، قوم و ملیت خواهی و کشتن بستن و بردن ، برای اکثریت مردم سرنوشت گروههای مختلف سیاسی مهم نبوده و نیست چون بارها و بارها بر سر آبرو و عزت آنها با عناوین مختلف زیبا

و فریبده معامله صورت گرفته است. و مردم درمقاطع مختلف مظلوم و تنها قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروههای مختلف نظامی و سیاسی شده اند بدون اینکه در زنده گی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هرگاه که جنک برسر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانیکه بیش از همه ضررمی کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که درکوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهیها و قدرت طلبی های رجال سیاسی خویش را بپردازند. حکومت و کابینه فعلی افغانستان یکی از بیکاره و بی ارزش ترین اداره بعد از حاکمیت تنظیمی و طالبی است که با گذشت هر روز ارزش ملی و از اعتماد جامعه نسبت به آن کاسته میشود.

فساد مالی، رشوتستانی و بیکاری. خورد و برد کمکهای خارجی به وسیله وزارتخانهها و دیگر ارگانهای دولتی و کند بودن اعمار مجدد. سران و فرماندهان دیروزی در زیر چشم هزاران عسکر امریکایی و ناتویه تولید و تجارت بی سابقه هیروئین و چوروچیپاول دارایی عامه و ثروت ملی مشغول بوده که وطن را مجدداً در صدر لیست کشورهای تولید کننده هیروئین قرار داده اند. با وجود ادعاهای مبنی بر آزادی بیان، فریادها در گلو خفه می گردند و آنانی که جرئت ابراز نظرات غیر سازشکارانه شان را دارند با لت و کوب و تفنگ و تهدید روبرو می شوند. با وجود این که گاهگاهی بوی جنایات سران قدرت و اقارب و همدستان شان در مطبوعات جهانی نیز بالا می گیرد اما اینها بدون کوچکترین توجهی به این رسوایی و به چوروچیپاول مردم ادامه می دهند. بی توجهی، فساد و رشوتستانی، چپاولگری، مواد مخدر و فساد اداری کشور را در لبه پرتگاه قرار داده است، اوضاع کنونی و قحطی و گرسنگی و بیکاری بی سرنوشتی صدها هزار جوان و مردان خانواده را از قریه جات، و لسوالیها و حتا شهرها برای پیدا کردن لقمه ی نان ترک خانه و کاشانه می کنند، و در چنگال قاچاقبران بین المللی اسیر و صدها نفران غرق دریایا در بندوزندان کشورهای مختلف گرفتاراند. کمترین روی جوان را در اطراف می توان یافت که هنوز باقی مانده باشند و پیدا کردن نان شب، به دغدغه اصلی مردم تبدیل شده است.

جنگ سالار اصطلاحی است که آمریکا در مورد آن دسته از فرماندهان محلی به کار می برد که از میل سلاح می خواهند زنده گی نمایند. هنگامی آمریکا تصمیم گرفت علیه طالبان وارد جنگ شود به تجهیز و تقویت آنها مبادرت ورزید. تفنگداران جنگ سالار با وقوع خویش را در ایجاد انارشیزم و برهم خوردگی وضع اجتماعی دیده، از همین جهت پیوسته در صدد بی ثبات نگه داشتن اوضاع تلاش های مذبوهانه می نمایند و سود خویش را فقط و فقط در جنگ و تفنگ می بینند آنها به منظور اغوا و سرکوب مردم، در تمام عرصه ها دست به اقدامات خائنانه و ماجراجویانه می زنند. دولت پروسه بنا م جمع آوری سلاح را روی دست گرفت که میلیون ها دالر را به باد فنا داد، ولی در ظاهر ارقام های ارایه می گردد که امید واری های کاذبی را به مردم نوید میدهد.

افغانستان سرزمین دود و آتش با گذشت بیش از یک دهه با وجود موجودیت صد و پنجاه هزار نظامیان کشورهای مختلف جنگ ، فساد، بی عدالتی، زورگویی، بی بندوباری، مردم آزاری، چپاولگری، قوم ستیزی همچنان بیداد میکند. ملت با در نظر داشت میلیاردها دالر کمک جامعه بین المللی و پشتیبانی و حضور نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه جهانی، انتظارات بیشتر را داشتند و اما دولت کرزی و ائتلافیون تنظیمی و گروهی با کم کاری و روزگدرانی عملاً همه را ناامید و سرخورده نموده اند.

مشکلات زیادی وجود دارد و حتی بعضی مسایل نه تنها که کاهش نیافته بلکه بطور نگران کننده ی رو به افزایش بوده اند. دولت در امر مبارزه با مواد مخدر تاکنون موفق نبوده و کشت و قاچاق مواد مخدر همچنان رو به افزایش است. دولت گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر را نادیده گرفته و می خواهد که این گزارش مهم به فراموشی کامل سپرده شود. نیروهای سیاف، گلبدین و مسعود و ربانی هر کدام برای سرکوب طرف مقابل، از هیچ وسیله ای دریغ نمی کردند. کابل در ظرف چند روز به ویرانه ای شباهت پیدا نمود که همه آن را به شهرهای بمباران شده ای بعد از جنگ دوم جهانی تشبیه می نمودند. از آسمان و زمین، باران مرمی و راکت و هاوان می بارید. کابلیان در خون فرزندان غسل تعمید می دیدند. کابل به فرمان بادران پاکستانی و ایرانی این تنظیم ها می سوخت و رهبران بی توجه به این همه خونریزی و چور و چپاول، همچنان سرگرم زدو خورد بودند، بیش از ۶۵۰۰۰ کابلی را کشتند، بر زنان و دختران و پسران تجاوز نمودند، گوش و بینی مردم را بریدند و بر فرق شان میخ کوبیدند، این همه خون ریخته شده و قتل و غارت و بی ناموسی، چرت رهبران تنظیم ها را خراب نکرد و زمانی که طالبان برای توییح شان به کابل هجوم آوردند، دو پا داشتند و دو پای دیگر قرض نموده و با چاهار پا به پنجشیر فرار نمودند.

زمانی که دوباره با کمک ناتو، حمایت امریکا و در پناه بی ۵۲ به کابل یورش آوردند، در پست های حساس و کلیدی دولت جابجا شدند و سالهای خون و جنایت را در خاطره های مردم زنده کردند و برای اینکه جنایت های شان را از اذهان مردم زدوده باشند، هشتم ثور را به عنوان جشن پیروزی جهاد نامگذاری نمودند و برای این کار همه ساله میلیون ها دالر را خرج مصارف جشن می نمایند و با چشمان کلوخی و وجدان های یخزده به نظاره ویرانی هایی می نشینند که خود عامل آن بوده اند. رهبران تنظیم های هشت ثوری چنان بی چشم و حقیر اند که برای رسیدن به پست و چوکی حاضر به هر نوع معامله و پستی اند.

جنایتکاران که در حدود شصت و پنج تاهشتاد هزار انسان بی گناه و بی دفاع را بخاک و خون کشانده و کابل زیبارابه ویرانه و شهر را به شهر ارواح تبدیل نمودند. اعطای رتبه های بزرگ نظامی به اشخاصی که از سواد اولی، از تعلیمات عسکری، از حداقل فهم سیاسی هیچگونه آگاهی ندارند. اعطای القاب ها، نشانها و مدالها به اشخاص که جز خیانت و جنایت در حق مردم و کشور کارنامه دیگری با خود ندارند. تعیین و تقرری افراد بی سواد و کم سواد، قاتل و آدم کش، دزد و قاچاقچی، سلاحدار و جنگ سالار... در پست های مهم دولتی. متأسفانه در جمع معاونین و کابینه نه تنها نماینده واقعی ملت حضور ندارد بلکه پستهای معاونیت های ریاست جمهوری ادارات استخباراتی و چوکی های کلیدی را در وزارت دفاع بین یاران تنظیمی دیروز تقسیم میشود. ما دیدیم که ریس دوات در کابینه های خویش توجه زیادی به جنگ سالاران کرد. برخی می گویند که کرزی سال ها حکومت بر کشور اکنون دیگر فرصتی برای جلب اعتماد عمومی ندارد. به همین دلیل اکنون مردم منتظرند که ببینند عاقبت دولت با اینهمه تفنگ داران که در وزارتخانه های دفاع، داخله و ریاست عمومی امنیت ملی لمیده اند، به کجا کشانده خواهد شد.

درگیری و بی نظمی ها نشان می دهد که امنیت، روز به روز خراب تر شده می رود. بدیهی است که اگر دولت به حل این مشکل اساسی فایق آمده نتواند، در تطبیق پروسه های بازسازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید. در کشوری که تمام زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ سی ساله تخریب شده و مردم این کشور، برای قادر شدن به گذران زندگی آبرومندانه خویش، نیاز شدید به کار در راستای باز سازی دارند؛ امنیت و سرزنش سران روزگزاران دولت ضرورت شماره اول به حساب می آید.

در صورتیکه این مشکلات بطور عاجل مرفوع نگردد بسیار مشکل خواهد بود تا حرکت های لازم دیگر، در عرصه های باز سازی و احیای مجدد و قادر ساختن مردم به پیداواری ضروری، صورت بگیرد. این چوکی پرست که برای بیش از ده سال تمام، بر چوکی چسبیده و برای حفظ آن هزاران انسان بی گناه راکشته اند، اکنون از ناامنی و فساد اداری در افغانستان حرف می زند. در زمان حاکمیت ربانی و مسعود، کابل در آتش سوخت و دزدان مسلحش مردم را به تماشای رقص بسمل نشانند، بر دختران پاکدامن تجاوز نمودند، چشمها را کشیدند و گوش و بینی بریدند. کرزی مطمئن باشد که تداوم حاکمیت جنگ سالاران ختم دولت وی خواهد بود. تعدد و تداوم اختطاف ها، سرقت ها، قتلها، انفجارات و انواع بی امنی ها در کشور و واقعیت تلخی است که از سپیده دم دولت موقت آغاز شده، در دولت انتقالی تشدید و در دولت انتخابی به اوج خود رسیده است.

ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی سابقه خود کشی و خود سوزی زنان، تهدید فامیل ها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، افزایش زنان و بیوه هایی که چاره ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و... هم اکنون دهها هزار میل سلاح نزد گروه های مسلح وجود دارد که عامل نا امنی در کل کشور هستند.

اگر سلاح جمع اوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف، وحدت اکبری، حرکت های اسلامی و... کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر یک دهها میل سلاح در اختیار دارند. سرگروپ ها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی سلاحکوت های خود را حفظ کرده اند. جنگ سالاران قاتل با استخراج، قاچاق و فروش سنگهای قیمتی مانند لعل و لاجورد بدخشان و زمرد پجشیر و سایر احجار کریمه سال هاشد که بی شرمانه و خبیثانه به این دزدی خویش ادامه میدهند.

اینها با قاچاق لاجورد و زمرد به سرمایه هنگفت دست یافتند. اما از آنجایی که هنوز هم هزاران مشکل از فقر اقتصادی تا گرسنگی، تهیدستی، خشکسالی، آوارگی و مهاجرت های درونمرزی و بیرونمرزی موج فزاینده داشته و رنجهای بیکران مردم همچنان ادامه دارد، با تأسف مردم مجال آن را به این زودی نخواهند یافت تا قاچاق قبران اموال عامه و مخصوصاً رهنان و چپاولگران آثار قیمتی و معادن کشور را به استنطاق بکشند و از آنها حساب بگیرند. از یکطرف با سوء استفاده از شرایط جنگ و دشواری های جاری مملکت و از سوی دیگر با استناد بر اینکه در افغانستان هنوز نیز دولت مرکزی و مسلط بر اوضاع سراسری وجود ندارد، آنها باز هم به همان اشتباه سابقه دارایی عامه را مانند گذشته حیف و میل نموده و به حسابهای جاری و پس انداز در بانکهای شرق و غرب افزودند. تعدادی از مقامات بلند پایه کنونی نمایندگی فروش این سرمایه ملی را تا چند قبل در کشورهای غربی بعهده داشته و با استقرار دولت کرزی با دیده درایی و بی حیایی صاحب کرسی و مقام گردیدند. و هنوز که هنوز است اینها با فکر آرام به این وظیفه ننگین یعنی دزدی و قاچاق سرمایه ملی ادامه میدهند.

مردم مظلوم، خسته از جنگ و تاراج شده، می گویند که خانه های بزرگ با زرق و آسمانخراش های مجلل در پایتخت و ولایات نمونه انکارناپذیر فساد اداری و چپاولگری ملی در دولت می باشد و قصرهای شاهانه و چند منزله با تزیینات خیره کننده در کشور بنام قصرهای چور و چپاول یاد می شوند و به نظر مردم کسانی مالک این قصرها اند که در جنایات و

فساد اداری دست دارند. اکثریت این خانه ها در شیرپور اعمار شده اند، که مردم آن را شیرچور و چورپور سما نموده اند. غصب زمین ها و اعمار خانه های مجلل و بلند منزل ها به گفته مردم ، تیشه طالبان را دسته می دهد و آنها مردم را تشویق می کنند که از چنین یک حکومت فاسد متنفر باشند. ثروتمند شدن تعداد فساد پیشه و چپاولگر از یکجانب و حاکمیت شرکت های امنیتی و انجوهای داخلی و خارجی شرایط را برای مردم ناممکن ساخته است، داشتن خانه شخصی برای مردم امکان پذیر نیست، زیرا نرخ خانه ها بیش از حد بلند رفته است. باوجود همه این فساد و خیانت و نظریه شکایات وارثین قربانیان جنگی ، راپور های بیشمار و مکرر کمیته حقوق بشر که خاطرنشان مینماید، جنایکاران جنگی و تفنگسالاران و آنانی که طی سالیان دراز با قدرت تفنگ از هیچ نوع زورگویی و ظلم و مردم آزاری چور و چپاول و حتی کشتار ملت ابا نورزیده اند در پستهای دولتی لمیده و در قدرت شریک اند. اینان با قتل عام مردم مظلوم ، راکتباران شهر کابل و ولایات ، محاصره اقتصادی شهرها، راه گیری ، بی عفتی و تجاوز به ناموس مردم ، فروش هزاران از خانم بیوه و بی پناه به اعراب برای پول و ثروت ، تخریب شهر زیبای کابل و شهادت مظلومانه شصت و پنج تاهشتاد هزار اهالی بی دفاع این شهر، میخ کو بیدنها، سینه بریدنها ، در کانتینر سوختاندن آنها، تیزاب پاشی ها، چهارمیخ کشیدن آنها، رقص مرده و لواطت اطفال معصوم مظلوم و صدها جنایات دیگر، دولت باید برای تامین عدالت اجتماعی هریک از جنایتکاران را با خطر خیانتهای و جنایات که انجام داده اند ، مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار میداده و بر عکس با پیشکش نمودن پول و قدرت ، سرنوشت مردم مصیبت دیده رابه چنگال خون آلوده آنان سپرده است.



سازمان نظارت بر حقوق بشر گزارش ۱۳۳ صفحه یی را تحت عنوان «دستان خون آلود- فجایع گذشته در کابل و میراث بیعدالتی» طی و مصاحبه با بیشتر از ۱۵۰ نفر شاهد عینی و یا مطلع از حوادث ترتیب داده است. این گزارش نه تنها افرادی را با عنوان متهمین جنایات جنگی ذکر کرده، چند پیشنهاد ارزنده ای برای دولت کرزی نیز ارائه نموده است. گزارش، تخطی های این دوره را نتیجه اجتناب ناپذیر جنگها و اشتباهات ندانسته، بلکه بیشتر نتیجه اعمال غیر قانونی و چشم پوشی عمده رهبران و فرماندهان گروه ها میداند. این سازمان ضمناً از دولت افغانستان خواسته تا با اصلاح سیستم قضایی خود و تاسیس یک محکمه اختصاصی از قضاات بین المللی و افغانی، از تلاش هایی که جهت محاکمه جنایتکاران گذشته بعمل میاید حمایت کند زیرا بقول آنان اگر عاملین جنایات گذشته مجازات نشوند احتمال زیاد میرود که مرتکب جنایات دیگری شوند. این سازمان همچنان از دولت تقاضا دارد تا ساختاری را جهت بررسی برکناری متهمین حقوق بشر از مقامات دولتی روی دست گیرد زیرا امروز تمامی متهمین جنایات جنگی تحت نام آشتی ملی کاملاً مصون از مجازات بسر می برند. عکس العمل دولت کرزی به این گزارش فقط این بود که آن را ناقص خواند که گویا جنایات تمام دوره ها را در بر نمی گیرد.

همچنان بهانه هایی چون امنیت و ثبات و آشتی ملی و مشارکت ملی از جمله شگردهای عوامفریبانه ای است که بی میلی کامل دولت را برای به محاکمه کشاندن جنایتکاران نشان میدهد. بفرض اگر دولت کرزی بخاطر برد تبلیغاتی خود در برابر حریفان و ترساندن جنگسالاران، که گویا نزد مردم و جهان دوسیه دارند تا پا از گلیم خود دراز نکنند، این گزارش را جدی بگیرد، نه مردم به آن باور می کنند چون این دولت را در وعده هایش، در عزل و نصب کابینه و والیان بطور کامل آزمایش کردند، و نه هم جنگسالاران برای خود تشویش راه میدهند چون آنان هم دست خود را در دهان دولت کرزی به دقت گشاندند و فهمیده اند که این دولت در دهان خود چیزی بنام دندان ندارد تا جنگسالاران را محکم گیرد و طی بیشتر این سالها دولت را چنان مرعوب ساخته که کوچکترین حرکتی در برابر آنان کرده نمی تواند.

پس قدر مسلم اینست که دوسیه متهمین جنگی سالهای سال در با یگانی دولت و کمیسیون مستقل حقوق بشر حفظ خواهد شد تا خاک بخورد. برخورد منفعل کرزی در مورد جنایتکاران جنگی سبب خواهد شد که نامش بعنوان مدافع سرسخت جنایتکاران جنگی در ذهن مردم و حافظه تاریخ با حروف برجسته نقش گردد.

اکثر جنگسالاران سه دهه اخیر که صدها هزارافغان را به کام مرگ فرستاده اند، هنوز شانه به شانه رییس جمهور ظاهر می شوند و آنگونه که سازمانهای تحقیقی آمریکا اعلام کرده، این جنگسالاران یکجا با طالبان و رهبران قبیله ای بیش از هفتاد درصد قلمروی افغانستان را در اختیار خویش دارند. حاکمیت قانون هم فقط در شکل چیزی بیش نیست ...

و هزاران هموطن غیرنظامی ماطی این سالها قربانی ناامنی شده اند، و صدها خانواده را گلوله های نیروهای خارجی که برای تامین امنیت ما آمده اند، به خاک و خون نشانده اند.

گویی این مردم ستم دیده باید همیشه باکشتن ، بستن، بردن و نابود شدن زنده گی نمایند . با رفتن طالبان فقط چهره عوض شد . برنامه کار روزانه، سیاست های محلی، اندیشه بنیاد گرایی، جنگ و تفنگ، بردن و کشتن، قنடاق کاری، به زندان انداختن همان بود که در زمان طالبان جریان داشت، ولی با دو تفاوت، یکی اینکه این زندانی ساختن و بردن و تسلیم دادن بی گناهان به خارجیان و در زندان های بیگانه ها صورت گرفت و دوم تغییر دستار به پکول و کلاه پوست و چین بود . آمریکاییان با سیاست های دود منشانه خویش بازهم همان دزدان نوکرسفت که با دو پاسپورت افغانی و آمریکایی پکول پوشان فراری که شهر را به ویرانه و کابل را به غمخانه تبدیل نموده بودند بلاي جان مردم گردانید .

جاه طلبی رهبران فسادپیشه تنها اهرم مصیبت بار بود که استعمار می توانست درین راه از آن بهره برداری نماید . خیانت و خودخواهی اینها کشور را بصورت سرزمین ملک الطوایفی درآورده و در هر گوشه فرمانده؛ گروه؛ سردسته و گردنکشی برای خویش پوسته و پاتک و زندان و کشتارگاه ساخته از این طریق قدرت و حاکمیت خود را به نمایش گذاشتند. دیگر همه معتقد شده اند که کرزی در طی بیش از یک دهه حکومت، دیگر فرصت برای جلب اعتماد عمومی ندارد و باید باروپندکش رابسته و راهی کشوری گردد که از آنجابه قندهار دیسانت گردیده بود و یابه پیشگاه مردم حساب این یک دهه را پس بدهد . کابل پایتخت کشور که در آن نیروهای پر شمار داخلی و خارجی تامین کننده امنیت، وجود دارند نیز از گزند نا امنی ها، مصنوع نمانده و هر هفته مورد حملات انتحاری و فیر راکت قرار می گیرند.

درگیری و بی نظمی ها نشان می دهد که امنیت، روز به روز خراب تر شده می رود. بدیهی است که اگر دولت به حل این مشکل اساسی فایق آمده نتواند، در تطبیق پروسه های بازسازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید. در کشوری که تمام زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ سی ساله تخریب شده و مردم ، برای قادر شدن به گذران زنده گی آبرومندانه خویش، نیاز شدید به بازسازی و اعمار مجدد دارند، امنیت و حسابدی سران دولت ، رهبران تنظیمها ، و قوماندانان جهادی ضرورت مبرم به حساب می آید.

منطقی و مطلوب است که برای ترویج و نهادینه ساختن حسابگیری از دوره مسنولیت کسانی که مسنول بوده هستند، به صورت عاجل گام برداشته شود و نیز اقدامات مؤثر و حساب شده در دفاع و حفظ حقوق بشرو رسیده گی به جنایات سازمان یافته و پراکنده با حفظ مصالح و منافع آینده و فعلی کشور صورت بگیرد.

بعد از سقوط طالبان و با ورود نیروهای آمریکا ، تفنگ سالاران جان دوباره گرفته ، یکبار دیگر شریک قدرت شدند. این تقصیر مهم ، همچنان بر عهده نیروهای خارجی است، زیرا اگر برخی از همسایگان و کشورهای ذی دخل ، این ها را کمک نمی کردند ، امروز شاهد رشد و جان گرفتن دوباره این ها به نفع برخی از کشورهای خارجی و به ضرر مردم نبودیم. بنابراین لازم است تا نیروهای بین المللی از خود صداقت بیشتری نشان داده با تفنگ سالاران و چپاولگران ، برخورد قاطعانه و جدی نمایند. تا بدین وسیله برای مردم ثابت شود که خارجی ها واقعا قصد بازسازی را دارند.

رئیس جمهور بارهابه فساد زیاد در دستگاه حکومتی و اداری اش اعتراف کرد، ولی با صراحت اعلام کرد که دولتش برای بقا و اداره نسبی کشور ناچار است چشم خود را روی برخی فسادهای جاری در حکومت ببندد. کرزی در توجیه دیدگاهش میگوید- یکی از فرماندهان قدرتمند محلی به هیچ وجه حاضر نمی شد سلاح های خود را به دولت مرکزی تحویل دهد و عملا ناامنی های فراوانی را در نواحی تحت کنترل خود به وجود آورده بودند. ما هیچ چاره ای در برابر آن فرمانده قدرتمند محلی نداشتیم، تصمیم به مذاکره با او گرفتیم و نتیجه مذاکره این شد که دولت مرکزی ماهانه سی هزار دالر به وی بپردازد و در عوض نیروهای مذکور از هرگونه ایجاد ناامنی پرهیز کنند. در واقع از این نوع فرماندهان متمرد در نواحی مختلف کشور فراوان به چشم می خوردند که دولت مرکزی چاره ای جز باج دهی به آنها ندارد و در غیر این صورت آنها به دشمن می پیوندند.

از دیگر شهکاری های اداره فعلی ، چپاول و تاراج کابل بانک که رسانه های خارجی سرمایه گزاری و تاجران افغانرا از ابعاد مختلف به بررسی گرفته اند و روزنامه فایننشیل تایمز به نقل از مسئولان اتحادیه تاجران افغانی در دوی نوشته است که سالانه حدود ده میلیارد دالر توسط تاجران در دوی و افغانستان رد و بدل می شود شماری آگاهان معتقداند که بیشتر این پول ها بجای اینکه در داخل کشور سرمایه گذاری شود از افغانستان خارج میگردد.

روزنامه فایننشیل تایمز در مقاله ی نوشته است امروز دویی به یک مرکز تجمع ثروتمندان افغانستان تبدیل شده است. سرمایه داران افغان در بزرگترین شرکت های ساختمانی و تجارت ملکیت در دویی سرمایه گذاری کرده اند. وبزرگترین سرمایه گذاری در تجارت ملکیت در دویی متعلق به شیرخان فرنود رئیس کابل بانک است که بالغ بر دوصد میلیون دالر میشود، برخی از تحلیل گران معتقد اند مقدار پول های که از افغانستان به دویی آمده احتمال دارد یکمقدار پول های قانونی باشد، اما مقداری هنگفت دیگری این پول منابع آنها نامعلوم نیست. این روزنامه در ادامه نوشته است در ماه مبارک رمضان هر شام در رستوران نو تاسیس «شایسته» در دویی شمار زیاد افغانها برای روزه افطار جمع می شند و درگرد میز افطار رستوران شایسته در دویی که هر نوع غذای افغانی افطاری می کردند که این رستوران به خانواده صافی تعلق دارد که شرکت هوایی صافی نیز از آن ها می باشد. شرکت برادران صافی که متعلق به پسران صوفی قوس هراتی میباشد وزمانی قراردادی طالبان در غرب افغانستان بودند. ظرف دودهه اخیر از لحاظ مادی رشد چند صد برابر و بی سابقه نموده حالا مالک هتل صافی لندمارک و بزنس سنتر در کابل، مالک خطوط هوایی صافی وبزرگترین واردکننده آهن حالات وروغن کم کیفیت شایسته در افغانستان میباشد.

این روز نامه همچنان نوشته است که یک تعداد دیگر این تجار کسانی هستند که در کابل بانک سهم داشتند. یکی از آن ها برادر رییس جمهور کرزی محمود کرزی است. او می گوید با به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان هرکسی که پول داشت کشور را ترک کرد که شمار زیاد آن ها به دویی نقل مکان کردند. به گفته او فضای تجارت در دویی با سهولت ها همراه می باشد. او می افزاید در آن وقت تجارت در افغانستان در حال رکود قرار داشت و تاجران راه دیگر نداشتند بجز از این که به امریکا و اروپا و یا دویی بروند. این روزنامه خانواده ثروتمندی دیگر رانیز معرفی کرده افزوده است. یک خانواده ثروتمند دیگر که در تجارت های مختلف در دویی دست دارد خانواده عزیزی می باشد که شرکت آن ها بنام «عزیزی انویست منت» تحت ریاست میرویس عزیزی در بزرگترین شرکت ساختمانی بنام نخیل جبل علی که جزایر خود ساخت در بحر بوده و قیمت ترین منطقه دویی به شمار می رود، سرمایه گذاری کرده است. اما شرکت نخیل به خاطر رکود اقتصادی در دویی با مشکلات روبروست. شرکت تجارتهی عزیزی هوتک که مالک عزیزی بانک هم می باشد در واردات نفت به افغانستان سهم عمده دارد. با این وجود به باور شماری از کارشناسان اقتصادی، دویی به مرکز دیگر تجارتهی افغان ها تبدیل شده است در همین حال مدیرانستیتوت تحقیقاتی شرق نزدیک و خلیج، تیودور کاراسیک می گوید. نزدیک ترین سیستم بانک داری فعال و ساده برای افغانستان در دویی می باشد. پول که به این جا می آید، می تواند قانونی باشد اما یک مقدار آن از درک قاچاق مواد مخدر، رشوت و اخذی بدست آمده است. به نوشته این روزنامه یک تعداد از تاجران افغان که جای پای خود را در دویی مستحکم کرده اند، اکنون می خواهند که تجارت های خود را دوباره در افغانستان نیز احیا کنند و یک مقدار پول ها را به کشور انتقال بدهند، اما فساد اداری و رشوت ستانی آن ها را مایوس می سازد. از سوی دیگر با داخل شدن به افغانستان پای آن ها در یک ماجرا و یک نزاع سیاسی کشانیده می شود. شماری از تجار تاکید دارند که از پرداخت رشوت خسته شده اند و این پول دیگر بخشش به شمار نمی رود، بلکه یک اقدام تحریک آمیز و تهدید آمیز برای تاجران می باشد.

بربنیاد یک نظر سنجی انجام شده ازسوی اداره مبارزه با فساد و جرایم سازمان ملل متحد، نزدیک به شصت درصد مردم افغانستان می گویند که در زندگی روزمره خود با فساد دولتی دست به گریبانند، و این در حالی است که پنجاه و چهار درصد آنان به مشکلات امنیتی و پنجاه دودرصد بر معضل بیکاری تأکید می کنند. رییس اداره مبارزه با فساد و جرایم ملل متحد، می گوید که به گفته شرکت کنندگان در این نظر سنجی، غیرممکن است که مردم بدون پرداخت رشوت از خدمات دولتی برخوردار شوند، و این امر نه صرفاً یک تصور عمومی بلکه امری بوده است که افراد آن را تجربه کرده اند. این سند بر اساس مصاحبه با هفت هزار و ششصد نفر در دوازده شهر و هزار و ششصد قریه و علاقدهی در سراسر کشور، از سوی اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد تهیه شده است.

از هر دوتبعه کشور، یک نفر آن رشوت داده است که در بیشتر موارد از آنان به صراحت درخواست پول شده است. تهیه کنندگان این گزارش می گویند که متوسط پرداخت رشوت در وطن، سالانه به یکصد و شصت دالر می رسد. بر اساس گزارشها عاید سرانه ناخالص ملی در افغانستان، چهارصد و بیست و پنج دالر است. در طی یکسال، افغانها دو و نیم میلیارد دالر رشوت داده اند که این مقدار پول تقریباً معادل بیست و سه درصد عاید ناخالص ملی است. و همچنان بیشتر مجریان قانون، (خود از) بزرگترین ناقضان قانونند. حدود بیست و پنج درصد مصاحبه شونده گان در این نظر سنجی گفته اند که حداقل یکبار به پولیس و مقامات محلی و ده درصد دیگر به بخش های قضایی در دولت رشوه پرداخته اند. نتایج این گزارش نشان می دهد که پول، ساختار قدرت های سنتی در افغانستان را به فساد آلوده می سازد. رییس اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد می گوید که عدم اعتماد بر نهاد های دولتی در ارائه خدمات باعث شده تا مردم به جهات دیگر از جمله عناصر ضد دولتی رو بیاورند.

تهدید وجود فساد در کشور را به سرطان تشبیه کرده و گفته است که برای جلوگیری از چنین وضعیتی و پیش از آن که به بیماری علاج ناپذیری بدل شود، باید کرزی، دست به اتخاذ تدابیر قاطع بر اساس کنوانسیون مبارزه با فساد اداری سازمان ملل متحد بزند.

کرزی موجودیت مشکلات در نهاد های عدلی و قضایی میگوید- که مردم از این ناحیه بیشتر رنج می برند. اطمینان مردم بر این نهاد ها باعث شده است که آنان هنوز هم به منظور حل و فصل دعوی شان به سیستم عنعنوی رو آورند. دلیل که هنوز هم مردم در دهات و شهر های کشور به روش های عنعنوی و رسوم اجتماعی برای به دست آوردن عدالت و حل و فصل قضایا مراجعه می کنند این است که نه حکومت توان فراهم آوری آن عدالت را دارد و نه هم رسیده گی به موقع می شود .

همچنان وری فدوتوف، رئیس دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد در مصاحبه اش با رویترز میگوید تولید تریاک نسبت به سال دوهزار و دوازده افزایش یافته است. افغانستان بزرگترین تولیدکننده تریاک در جهان است که هروئن از آن ساخته می شود و به تامین مالی طالبان کمک می کند. وضعیت در حال بدتر شدن است، این موضوع آشکار و بسیار نومیدکننده است. هنگامی که نیروهای خارجی در پایان سال دوهزار و چهارده این کشور را ترک کنند، در نبود پول و نیروهای هوایی آنها، دولت افغانستان نیاز به کمک بیشتری برای مبارزه با کشت خشخاش خواهد داشت. مواد مخدر هزینه نیروهای شورشی را فراهم می آورند و پایداری منطقه ای و سلامت مردم در افغانستان را که بالاترین میزان اعتیاد در جهان را دارد، تهدید می کنند.

افغانستان همچنین زمینه مساعدی برای فساد و سایر اشکال جرایم سازمان یافته فراملی دارد. این چالشی چندوجهی است و لازم است که ما با آن به عنوان مشکلی جدی برخورد کنیم. در غیر این صورت بدون حمایت بین المللی، بدون کمک های قابل توجه بیشتر، این خطر وجود دارد که این کشور در ادامه این روند به یک دولت مواد مخدر (narco-state) تمام عیار بدل شود.

پس از گذشت تقریباً دوازده سال از تهاجم نیروهای به سرکردگی آمریکا به افغانستان بخش های گسترده ای از این کشور تحت کنترل طالبان است و نیروهای داخلی هنوز در نواحی دور افتاده به شدت به حمایت نیروهای خارجی وابسته است. تا وقتیکه قصد دارد پس از دوهزار و چهارده فقط نقش آموزشی و مشورتی در افغانستان داشته باشد، اما آمریکا و متحدانش هنوز درباره شمار دقیق نیروهایی که در این کشور باقی خواهند ماند، اظهار نظر نکرده اند. اراده سیاسی برای مقابله با مشکل مواد مخدر در افغانستان وجود دارد، اما شمار فزاینده حملات و دستگیری ها و تلاش ها برای ریشه کنی مواد مخدر تا به حال نتوانسته است جلوی این موج در حال گسترش را بگیرد. خارجیها منتوانستند اقتصاد جایگزینی در افغانستان ایجاد کنند با وجود همه تلاش ها، حرکت در مسیر جایگزینی تجارت مواد غیرقانونی با کالاهای قانونی سخت است.